دو نیمه در بهشت

روزی طولانی‌تر از یک سال

امیر پوریا

۱- وقفه‌ای که در این ستون همه‌روزه ایام جام جهانی افتاد و دیروز آن را اینجا ندیدید، بابت سفری اجباری و کوتاه، گریزناپذیر بود. شاید هم این عادت همه‌مان است که همیشه به فینال چند صد برابر بازی رده‌بندی بها می‌دهیم و عملاً در این ستون هم همین اتفاق افتاد و «پیش‌بازی» روز دیدار رده‌بندی بود که قربانی آن وقفه شد. فردا برای پرداختن به بازی آلمان - پرتغال فرصت هست؛ الان باید از تب و تاب فینال امشب بگوییم که جام ۲۰۰۶ را با همه خاطراتش، درست بعد از یک ماه، پایان می‌دهد.

۲- بچه که بودیم، یکی از فیلم‌هایی که بارها از تلویزیون پخش شد و حتماً بعضی از شماها هم به یادش می‌آورید، فیلمی اندوهگین و اثرگذار بود درباره شهری زلزله‌زده که زندان حومه شهرش صدمه ندیده بود و رئیس زندان، زندانیان را از صبح روز زلزله آزاد می‌کرد تا تعداد نه چندان کافی نیروهای امدادی شهر را افزایش دهند و به زخمی‌ها و زیر آوارمانده‌ها کمک کنند و بعد، شب که گذشت و آواره‌ها کمی اسکان یافتند، صبح فردایش به زندان برگردند. برای برگشتن‌شان چه تضمینی وجود داشت؟ هیچ. فقط امید و اعتماد. رئیس فقط به آنان «اعتماد» می‌کرد و «امید» داشت که برگردند. فیلم عملاً درباره چالشی اخلاقی و انسانی بود که زندانیان با آن روبه‌رو بودند: به مردم کمک کنیم یا از فرصت یک روزه، برای فرار به جایی دورتر بهره بگیریم؟ برگردیم یا برویم خودمان را پنهان کنیم؟ نمی‌دانم یادتان آمد یا نه؛ ولی این فیلم که نامش «یک روز، طولانی‌تر از یک سال» بود و بازیگر اصلی‌اش همان بازیگر نقش کارآگاه مجموعه تلویزیونی معروف «سوئینی»، ضمن متمرکز شدن بر همان چالش اخلاقی، مسیری را نشان می‌داد که زندانی‌ها تا فرارسیدن صبح روز بعد طی می‌کردند. کارها و کمک‌هایی که در این یک شبانه روز می‌کردند یا مجبور می‌شدند بکنند، زمینه اصلی آن بازگشت به زندان و جواب دادن به امید و اعتماد رئیس را شکل می‌داد. هر کس این مسیر را با تلاش هرچند کوچکی برای نجات چند نفر از زیر آوار پیموده بود، صبح بدون این که حس کند دارد به قفس و اسارتگاه برمی‌گردد، می‌رفت و خودش را به شخص رئیس زندان معرفی می‌کرد. آنجا باز هم می‌گرفتندش و به‌بند و سلولش می‌بردند؛ ولی با انبوهی سپاس و حرمت.

۳- حتماً تا اینجا دریافته‌اید که چرا این فیلم را وصف کردم. این تیم ایتالیا که امشب در بازی فینال و بعد از دو دوره حذف در مراحل پیش از نیمه‌نهایی، جلوی فرانسه شل و ول روزهای اول و «نتیجه‌گیر» این روزها می‌ایستد، فقط با همان «امید و اعتماد» این جاست. مربی‌اش و بازیکنانش در کشور و لیگ باشگاهی خودشان، با کثیف‌ترین اتهامات زد و بند و رشوه و تبانی درگیرند و خیلی‌هایشان با شدیدترین جریمه تاریخ باشگاه‌شان و سقوطش به لیگ دسته دو یا سه، از حالا باید به فکر انتقال و تغییر تیم باشند. برای همین است که اگر امشب ایتالیا ما را به فریاد شادمانی وادارد، خودش به شکلی متفاوت با هر برنده هر دوره دیگر، اشک شوق می‌ریزد. آتزوری‌ها می‌دانند که اگر این تلاش‌ها نبود، فردا که برمی‌گشتند، بارها بیش از این به باد انتقاد گرفته می‌شدند. حالا هم بعد از برگشت، مجبورند به مصاحبه‌های جنجالی و «تغییر تیم»های اجباری تن بدهند و درست مثل همان زندانیان فیلم مورد اشاره‌ام، در واقع به زندانی دوزخی برگشته‌اند. ولی با کوششی که تا اینجا کرده‌اند، همه چیز تعدیل می‌شود. آن امید و اعتماد، به سپاس و حرمت می‌انجامد و همه بدون این که حس کنند دارند به محکمه برمی‌گردند، می‌روند و سرشان را هم بالا می‌گیرند. این فرصتی است که برای اعاده حیثیت دارند و قهرمانی می‌تواند مسیر را بسی هموارتر کند. انصاف داشته باشید. در تاریخ فوتبال، قهرمانی یک تیم بار دراماتیکی به این میزان و با این تلخی و شیرینی توأمان داشته است؟ اگر امشب فرانسه از گور برخاسته‌ای که دم مسیحایی‌اش را زیدان می‌دمد - و نه فرانسه کم‌هوش و کم‌جان ریموند دومنک - این ایتالیای مقاوم و مردانه ایستاده را به سکوی دوم بلغزاند، باز آن آبروداری و افتخار تا پیش از بازگشت به مسلخ، به انجام رسیده است. ولی دیدن قهرمانی‌ای که این قدر معانی ضمنی و پنهان خواهد یافت، حتماً و اساساً بارها جذاب‌تر از قهرمانی بی‌مزه فرانسه متوسط و یک و نیم نفره زیدان و آنری خواهد بود که فقط یک معنای آشکار دارد: یک تیم قهرمان می‌شود؛ همین!

۴- این گزیده عباراتی است از یادداشت‌های روزانه جیان لوئیجی بوفون، دروازه‌بان باهوش و بااخلاق و متشخصی که حتی ضدایتالیایی‌ها هم دوستش دارند (مشابه وضعیتی که زیدان نزد ما ضدفرانسه‌ها و رونالدینیو نزد ما ضدبرزیلی‌ها دارد). یادداشت آخر بوفون که همین پنجشنبه گذشته، دو روز بعد از نیمه‌نهایی و دو روز پیش از فینال امروز نوشته، خوب نشان می‌دهد که آتزوری‌ها با چه حال و هوایی تاب آورده‌اند و توان گذاشته‌اند: «می‌دانم که در ایتالیا جشن‌های خیابانی انبوهی برای پیروزی ما در نیمه‌نهایی برپا شده. باید هم این‌طور می‌شد. فوتبال ما داشت دوران ناگواری را می‌گذراند و هواداران ایمان‌شان را از دست داده بودند. حالا برای آنها حس فوق‌العاده‌ای دارد که شادی‌شان را این‌طور ابراز کنند. ولی ما بازیکنان تیم باید جور دیگری جشن بگیریم. هرچند طعم شیرین بردن آلمان را تا چندساعتی مزه مزه می‌کنیم، باید زود خودمان را جمع و جور کنیم و برای پرده آخر این جام جهانی محشرمان آماده شویم. . . . با تمام اینها، اصلاً ادعا ندارم که به یوونتوس و مشکلاتی که برای خودش به وجود آورده، فکر نمی‌کنم. خبرهای منفی جدی و ناجوری از ایتالیا می‌شنویم، ولی با آن نیمه‌نهایی که گذراندیم و این فینال که در پیش داریم، نمی‌توانم بگذارم این خبرها توی ذهنم جا خوش کنند؛ هرچند، خیلی هم نمی‌توانم از خودم دورشان کنم.»

۵- امروز را تا ساعت ۹/۳۰ شب، چطور سر کنیم؟ همه انتظاری که برای شروع این جام کشیدیم، یک طرف و این روزی که از ماه و سال هم طولانی‌تر است، یک طرف. ایتالیای تلخکام تا اینجای جام از هیچ بازیکن تیم‌های مقابلش گل نخورده. چطور امروز را بگذرانیم تا ببینیم بوفون می‌تواند این طلسم را تا آخر نگه دارد یا نه؟ ببینیم بوفون باور می‌کند که ایمان‌مان را از دست نداده‌ایم یا نه؟

دوئل آنری و کاناوارو

همیشه موفق در مقابل ایتالیایی‌ها

هنری وینتر*
ترجمه: سهیل نوری‌پناه

تمام فرانسوی‌ها آرزو می‌کنند که هم‌تیمی‌شان تیری آنری، یکشنبه‌شب در به دردسر انداختن فابیو کاناوارو سرفراز باشد. یکی مثل جیوه چنان بی‌قرار و ثبات است که در هر آن باید در انتظار تغییر و دگرگونی لحظه‌ای آن بود و دیگری مانند دیوار رسوخ‌ناپذیری که کسی را یارای مقابله با او نیست. این دو به جنگ یکدیگر می‌شتابند. آنری برای رسیدن به چنین خواسته‌ای، باید به نمایشی مشابه با آنچه او در قالب مجموعه آرسن ونگر در لیگ قهرمانان اروپا ارائه داد بیندیشد. وقتی سخن از یک مهاجم برق‌آسا باشد، نامی جز تیری آنری به ذهن خطور نخواهد کرد. کسی که نشان داده، در از پا افکندن و تسلیم ساختن مدافعان سری A تبحری حیرت‌انگیز دارد. اعجوبه فرانسوی یک بار هنر و نبوغ ویران‌کننده‌اش را به آ. اس. رم فابیو کاپلو نشان داد. او در آن مسابقه یک هت‌تریک جاودانه کرد و اول بار با پای راست، سپس با پای چپ و در انتها نیز با یک گل تماشایی که برآمده از یک ضربه ایستگاهی بود، همه را از استعداد شگرفش شگفت‌زده ساخت. تصویر شفاف دیگر از قدرت‌نمایی‌اش در برابر ایتالیایی‌ها را می‌توان در نمایش او در برابر اینترمیلان در سال ۲۰۰۳ جست‌وجو کرد. در مسابقه‌ای که آرسنال بر پایه فروغ او ۵ بر یک نرآتزوری را در جوزپه مه‌آتزا ویران ساخت و آنری با به ثمر رساندن دو گل- که گل دومش بر پایه یک حرکت فردی اعجاب‌انگیز که آغازش از میانه میدان بود- بار دیگر نیش مهلکش را به رگ مدافعان ایتالیایی وارد ساخت. کاناوارو از آن رو که در برابر توانایی‌های آنری در فصل پیش و در لیگ قهرمانان اروپا، ناتوان و کلافه نشان داد، به‌خوبی از قابلیت‌ها و نبوغ «هدف اصلی»اش در فینال آشنا است. ایتالیایی‌ها با آن دفاع پولادین و غیرقابل رسوخ آشنایشان آنچنان که به تیری آنری احترام می‌گذارند در قبال کسان دیگری چنین موضعی را نشان نمی‌دهند. او را یکی از دوست‌داشتنی‌ترین و بامرام‌ترین فوتبالیست‌های این جهان می‌خوانند. از آن سبب که همواره هیچ‌گاه در قبال افراد کوچک‌تر از خود- از هر حیث- تکبر و غرور از خود نشان نمی‌دهد. به همین خاطر است که همواره او را قبول و دوستش دارند. از آن برهه، یعنی سال ۱۹۹۹ که با تجربه‌ای تلخ، یوونتوس و سری A را ترک گفت، او در لباس آرسنال همیشه برای بزرگان آن کشور مصیبت‌ساز بوده است. آنری در این باره می‌گوید: «همواره ثابت کرده‌ام که در برابر تیم‌های ایتالیایی و مدافعان آنها، مشکلی در گلزنی نداشته‌ام. البته انتظار ندارم که این بار، شرایط به سادگی همیشه باشد.» مهاجم افسانه‌ای آرسنال نیک می‌داند که فابیو کاناوارو و یارانش در خط دفاعی ایتالیا، برنامه‌ها و طرح‌های دقیق و سختگیرانه‌ای برای از کار انداختن موتور گلزنی او در ذهن دارند. روزنامه سور چاپ فرانسه می‌نویسد: «خدا همراه ماست. در کنار ما.» و در ادامه چنین می‌آورد: «بلایی بر سر ایتالیایی‌ها می‌آوریم که در تمام مدت بازی از شدت بیم و ترس بلرزند.»

اما خب جانشین خلف پائولو مالدینی، مدافع بی‌نظیر و قدرتمند آتزوری یعنی فابیو کاناوارو، مردی است که اصولاً ترس و واهمه برایش لغاتی تعریف‌نشده به شمار می‌روند. حداقل در بازی یکشنبه شب، سعی می‌کند اینگونه نباشد. به این خاطر که کاپیتان مقتدر مارچلو لیپی، قصد دارد یک صدمین بازی ملی‌اش را در برابر فرانسه و در فینال جام جهانی جشن بگیرد. آخرین ایتالیایی حاضر در باشگاه صدتایی‌ها، در این جام، با تمام وجود، سعی داشته تا ضعف‌ها و کم‌کاری‌های گذشته کشورش را در تورنمنت‌های اخیر با بازی‌های بی‌نظیرش پوشش دهد.

«ما پس از چند تورنمنت کابوس مانند، که هنوز خاطراتشان را در ذهنمان مرور می‌کنیم، در این جام با روحی تازه و فکری بدیع مسابقات را پیش برده‌ایم. سال پیش که آنگونه از کره جنوبی میزبان در سال ۲۰۰۲ شکست خوردیم. دیداری که با اشتباهات فراوان و سرگیجه‌آور داور آن مسابقه به زیان ما تمام شد. در پرتغال نیز سناریو حذف و ناکامی مشابه با جام جهانی پیش داشتیم. اکنون به سبب آن دو شکست، انگیزه صدچندانی پیدا کرده‌ایم. چیزی شبیه خشم و عصبانیت که البته در راهی معقولانه و موثر از آن بهره می‌جوییم. یعنی وجه مثبت آن.» اینها صحبت‌های کاپیتان آتزوری، کسی که بی‌شک در این جام نه تنها بهترین مدافع بلکه یکی از برترین ستاره‌های این تورنمنت بوده است.

برای کاناوارو آن شب مسرت‌بخش در برابر میزبان یک تاریخ به‌یادماندنی بود. پس از مقهور ساختن ژرمن‌ها در وستفالن دورتموند، قهرمانان ایتالیا در رختکن در حالی که نخست وزیر کشورشان یعنی رومانو پرودی را در کنار خود می‌دیدند به شادی و خواندن آهنگ‌های محلی پرداختند.

با طنین و آهنگی بر لب و اراده‌ای پولادین در قلب کاناوارو و شرکایش در دیوار رسوخ‌ناپذیر آتزوری در ۵۷۰ دقیقه تنها یک بار سنگرشان را فروپاشیده یافتند. تازه آن گل نیز از اشتباه کریستین زاکاردو که دروازه خودی را گشود نشأت می‌گیرد. در راه از پیش برداشتن ژرمن‌ها در وستفالن پرشکوه، نمایش فردی و حیرت‌انگیز فابیو کاناوارو بود که یکی از عوامل مهم و حیاتی به‌وقوع پیوستن آن مهم شد.

او در آن شب، تنها یک مرتبه دست‌ها را بالا برد. در آن موقع که میروسلاو کلوزه با مهارتی مثال‌زدنی و بسیار استادانه از میان او و رینو گتوزو عبور کرد، همه چیز برای ناکامی ایتالیا فراهم شده بود که تنها حضور برترین سنگربان دنیا جان لوئیجی بوفون مانع از پیروزی ژرمن‌ها شد. کاناوارو و بوفون از جوانی در کنار هم بودند. چه آن زمان که در اوایل دهه ۹۰ در پارمای رویایی آن روزها با یکدیگر انس گرفتند و چه در این برهه که در یوونتوس هماهنگی و تله‌پاتی‌شان در راه موفقیت آتزوری اثرگذار نشان داده. . . و این تله‌پاتی که این دو را همیشه در کنار هم قرار داده، نقش مهمی در از کار انداختن اعجوبه‌ای چون آنری خواهد داشت. کاناوارو پیمان بسته است که در بازی فینال نیز آمادگی بی‌همتایش را حفظ کند. مردی با بازیخوانی استثنایی، و چشمانی شاهین‌گونه، که نگاه‌های جست‌وجوگر و کاوشگرایانه گری کاسپاروف را در اذهان احیا می‌کند، می‌داند که چگونه با تکیه بر تجربه و توانایی‌هایش آنری را بی‌اثر کند، قبل از آنکه او زهرش را بر پیکره آتزوری بپاشد. با تنها ۱۷۶ سانتی‌متر بلندی قامت، آنچنان مسلط و متبحر در هوا نشان می‌دهد که موجب حیرت می‌شود. او از خط دفاعی به‌خوبی می‌داند که چگونه توپ‌های بلند را به میانه میدان، رو به جلو، پخش کند. آنچه که می‌توان از گل دوم کشورش در برابر ژرمن‌ها برداشت کرد.

اما نگاه آنری در آن شب به تلویزیون دوخته شده بود. گلزن فرانسوی در خصوص ایتالیا می‌گوید: «بازی ایتالیا را دیدم. آنها تیم نیرومند و استواری هستند. مردم معتقدند دلیل اینکه آنها، امروز اینجا هستند به خاطر دفاعی بودنشان است اما من می‌گویم آنها مانند یک «تیم» دفاع می‌کنند. دیواره تدافعی آنها تنها با حضور فابیو کاناوارو و یا مارکو ماتراتزی به‌عنوان مدافعان بزرگ، رسوخ‌ناپذیر نیست بلکه دیگر مهره‌های این تیم نیز در این راه همکاری آشکاری دارند.»

فقط این فابیو کاناوارو نیست که در این مجموعه، نقش نخست را در برنامه‌های تدافعی مارچلو لیپی ایفا می‌کند، بلکه رینو گتوزو و آندره‌آ پیرلو نیز در سیستم ۱-۳-۲-۴ این تیم به بهترین نحو ممکن تلاش می‌کنند. آنری از توان و نیروی ایتالیا آگاه است ولی یکی از دلایل موفقیت کشورش را در این جام، هماهنگی و درک غیرقابل تصور ستاره‌های این تیم به سبب حضور طولانی مدتشان در کنار هم می‌داند. و به آن با حرارت خاصی تاکید می‌کند. آنری می‌گوید: «آنچه که مجموعه ما را بدل به یک قدرت واقعی کرده است، «تیم» بودن ماست. هیچ‌کس برای درخشش و به‌چشم آمدن خودش بازی نمی‌کند. همه برای هم می‌جنگند. همه به‌خاطر یکدیگر بازی می‌کنند تا مجموعه به نتیجه برسد. این دیدار، خاطرات آن فینال ۶ سال پیش در یورو ۲۰۰۰ را در اذهان احیا می‌کند و امیدوارم نتیجه‌اش همانی شود که در آن سال برای ما رقم خورد. اما آنها اثبات کردند که تیم قدرتمندی هستند و شکست دادن آلمان- آن هم بدان شکل- موید این نکته است. تاریخ از هر سو به سود فرانسوی‌ها است. ایتالیا توسط یاران آنری در یورو ۲۰۰۰ ناکام شد و در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۹۸، فرانسوی‌های میزبان آتزوری را در ضربات پنالتی ناکام ساختند. کاناوارو با گرمایی ویژه می‌گوید: «هنوز از آن شکست- سال ۹۸- افسوس می‌خورم. با اینکه خیلی جوان بودم اما آن خاطره و آن ناکامی برایم اکنون نیز دردآور است. این فرصت ایده‌آلی است برای گرفتن انتقام.» اگر کاناوارو موفق شود آنری را در جریان بازی «محو» کند آنگاه ایتالیایی‌ها اقبال بلندی برای دوختن چهارمین ستاره جام جهانی بر سینه‌شان خواهند داشت. هر چند آنری چندان دل خوشی نسبت به این داستان ندارد. «در تیم ما تنها یک نفر گل نمی‌زند. برنامه‌های متنوعی برای حملات تهاجمی‌مان داریم. سنگینی بار وظایف هجومی تنها بر دوش فردی خاص حمل نمی‌شود.»

اما، آنچه که بدیهی است، نبرد این دو- کاناوارو و آنری- دوئلی است میان سرعت عمل فکر و مغز کاناوارو و سرعت برق‌آسای گام‌های آنری. . . و یکی از این دو می‌توانند برای کشورشان شبی دراماتیک رقم بزنند.

*سردبیرمجله ۲-۴-۴ و بخش ورزشی دیلی تلگراف

بوفون، در ادامه مسیر زنگا و زوف

ترجمه: محسن ابراهیمی

ایتالیا برای برنده شدن یک دروازه‌بان آماده می‌خواهد، مثل روزهایی که دینو زوف این جام را برای لاجوردی‌ها به ارمغان آورد. آنها امروز جان لوئیجی بوفون را دارند، بهترین دروازه‌بان حال حاضر دنیا با یک گل خورده در شش بازی، شب رویایی او از همین‌جا شروع می‌شود.

■■■

■ببخشید بوفون، تا به حال از زیدان گل خورده‌ای؟

بله. در بازی ۳-۱ مقابل رئال مادرید در لیگ قهرمانان اروپا که ما بازی را بردیم.

■آیا رده‌بندی بهترین دروازه‌بانان جهان را دیدید؟ بوفون بهترین دروازه‌بان.

طبیعتاً برای من هم این موضوع جالب و خوشایند است. چون جای الیور کان را می‌گیرم که در جام ۲۰۰۲ بهترین بود. البته دوست دارم قهرمان بشوم تا این موفقیت تائیدی باشد برای روح تیمی بی‌نظیر ایتالیا و تمام شدن همه کابوس‌ها.

■چطور توانستید به این موفقیت دست پیدا کنید؟

من سال ۲۰۰۰ در تیم ملی نبودم. تولدو خیلی خوب بازی می‌کرد و بهترین بود. اما اتفاق رتردام حتی مرا هم ناراحت کرد و همیشه به خودم می‌گفتم که باید این شکست را جبران کنیم. جدی‌تر تمرین کردم و دلسرد نشدم.

■کدام دروازه‌بان دیگر لیاقت این را دارد که جایزه بهترین دروازه‌بان جام را بگیرد؟

من از لمن خوشم می‌آید، موضوع پنالتی‌ها به کنار، اما او شخصیت و اطمینانی که از خود نشان می‌دهد برایم خوشایند است.

■و بارتز؟

او هم دروازه‌بان مطمئنی است و همیشه همین اعتماد به نفس به او کمک می‌کند که روی تمام توپ‌های هوایی بیرون بیاید و آنها را مهار کند. تجربه بزرگش همیشه به او کمک کرده است.

■در بازی‌های لیگ اشتباهاتی را از بوفون دیدیم اما اینجا همه چیز ایده‌آل است. چطور چنین چیزی می‌تواند ممکن باشد؟

در بازی‌های لیگ همیشه لحظات بد هم وجود دارند اما در اینجا هرگز افکار بد به ذهنم راه نمی‌دهم و نگران نیستم. به همین دلیل است که می‌توانم جلوی حریفان بایستم. شاید هم به این دلیل است که به دوستانم اطمینان زیادی دارم. البته خیلی خوب می‌شود که تیم حریف شوت نزند.

■بعد از ریکاردو دروازه‌بان پرتغال، بوفون با ۲۳ عکس‌العمل مناسب در رده دوم آماری قرار دارد. بهترین توپی که گرفتید کدام بود؟

نمی‌توانم انتخاب کنم چون بازی‌ها را دوباره نگاه نمی‌کنم. نمی‌دانم.

■۲۲ مه اولین روز تمرین ایتالیا در فلورانس بود. آیا به چنین روزی فکر می‌کردید؟

نه، اصلاً. به‌رغم اینکه توانایی آن را داشتیم اما به چنین چیزی فکر نمی‌کردیم. اما با همین جدیت می‌گویم که لیاقت آن را داشتیم که به فینال برسیم.

■یوونتوس هشت بازیکن در فینال دارد اما باید به دسته سوم برود. چه فکر می‌کنید؟

نتیجه این بازی بیش از همه باشگاه یوونتوس را خوشحال می‌کند. همه چیز در میدان مشخص می‌شود و ما نشان دادیم که بازیکنان خوبی هستیم.

■آیا دوست دارید که با رکورد والتر زنگا برابری کنید؟

بله. اما زنگا در هفت بازی گل نخورد حتی در هفتمین بازی. در حقیقت این می‌تواند نقطه حرکتی برای من باشد و انگیزه‌ام را دوچندان کند.

■آیا این زیدان مثل سال ۹۸ ترسناک است؟

نه. در آن جام جهانی دلایل دیگری برای ترس از فرانسه وجود داشت. آنها در خانه‌شان بازی می‌کردند و آن گروه هشت سال جوان‌تر بود. ما هم در آن جام جهانی خوب نبودیم. اینجا موسیقی دیگری وجود دارد. انگیزه بیشتری داریم. متقاعد شده‌ایم که نباید این فرصت را از دست بدهیم. ما طرفداران خودمان را دلسرد نمی‌کنیم.

■مدیران رئال مادرید هم دلسرد نمی‌شوند. . .

یوونتوس حتی اگر در دسته سوم بازی کند ما باید به قرارداد خودمان احترام بگذاریم. این مدیران باشگاه هستند که تصمیم می‌گیرند کدام بازیکن را بفروشند.

■همه از زیدان حرف می‌زنند. آیا آنری را فراموش کرده‌اند؟

همه به زیدان توجه دارند. خطر همیشه وجود دارد اما سزاواری‌های زیدان را نمی‌توان انکار کرد. در این جام جهانی فرانسه با گل‌های آنری به مرحله دوم رسید و قدرت او را نمی‌توان دست‌کم گرفت هرچند که فرانسه با پاهای زیدان حرکت می‌کند. اما این بدان معنی نیست که دیگر بازیکنان ضعیف باشند. من اصلاً دوست ندارم با بازیکنی مثل آنری روبه‌رو شوم.

■اینکه ترزگه بازی نمی‌کند برای شما یک نقطه برتری است.

من واقعاً خوشحالم که ترزگه را بازی نمی‌دهند اما کمی هم نگران هستم. ساها محروم شده و اگر بخواهند تعویض کنند ترزگه را می‌آورند.

■لیپی کار بزرگی را به‌رغم تمام انتقادات انجام داده است.

خیلی‌ها می‌گفتند که او مربی باشگاهی است و نمی‌تواند در تیم ملی کار کند. او این تئوری را شکست داده است و در ذهن همه افکار خوبی به‌وجود آورده است. ماورای تکنیک و تاکتیک، او می‌تواند ۱۲۰ درصد از همه ما کار بکشد و نتیجه خوبی بگیرد و همه را به یک سطح ایده‌آل برساند تا بازیکنان مهمی برای تیم باشند.

■برای فینال چگونه آماده می‌شوید؟

همیشه صبح کمی عصبی هستم. اما بعد از تمرین آرامش خودم را پیدا می‌کنم. من هرگز تجربه چنین بازی‌های بزرگی را نداشتم. در منچستر تفاوت قهرمان شدن و نشدن را فهمیدم.

■آیا دوست داری که مثل زوف باشی؟

او کاپیتان تیم ملی بود و من فقط یک دروازه‌بان هستم. چیزی که برایم جالب و جذاب است بلند کردن جام و قهرمانی است.

نگاه

یوونتوس پیروز شد

بیایید یک تیم بسازیم: بوفون درون دروازه، تورام، کاناوارو، زامبروتا در خط دفاع، زیدان، ویرا، کامورانزی، دل‌پیرو در خط هافبک و ترزگه، آنری، اینتزاگی در خط حمله. مربی مارچلو لیپی، مدیر تیم: میشل پلاتینی. فکر می‌کنید این تیم جدید یوونتوس است؟ نه. بازی فرانسه- ایتالیا در فینال برلین سال ۲۰۰۶. چندان هم تیم بدی نمی‌شود و می‌تواند همه تیم‌ها را شکست دهد. بله کمی پیر هستند اما از این که بهتر است میشل پلاتینی هم بازی کند. او بهتر است از تریبون بازی را دنبال کند. حداقل این تیم می‌تواند امیدواری‌هایی را در دل طرفداران یوونتوس به وجود بیاورد؛ آنهایی که زیر شدیدترین اتهامات هستند و رسوایی بزرگی را پشت سرشان احساس می‌کنند. اما واقعیت این است که در فینال جام جهانی تا چشم کار می‌کند بازیکنانی از یوونتوس حضور دارند، یعنی اینکه یوونتوس واقعی اینجا وجود دارد، فراتر از تلفن‌های داغ مدیران یووه، لطف‌های د سانتیس و دو قهرمانی که به احتمال زیاد از دست خواهد رفت. چند روز دیگر این تیم به دسته سوم سقوط می‌کند، همه منتظر آخرین رای‌ها هستند و این التهاب هر لحظه بیشتر می‌شود. کسانی که امروز جایی ثابت در تیم دارند، یک ماه دیگر بازیکنان سابق نامیده می‌شوند و آنهایی که در این تیم بودند به زندگی فعلی خود ادامه می‌دهند؛ بدون اینکه خجالت بکشند. اگر فوتبال همیشه افسانه‌ها را به یاد دارد، از این افسانه هم به خوبی یاد خواهد کرد. با شادی بی‌پایان. چرا که نه. مسلماً همه این را می‌گویند. جام جهانی با تمام خوبی‌ها و بدهی‌ها پیش می‌رود. باید فراموش کنیم که تعدادی از بازیکنان متهم شدند یا مارچلو لیپی هنوز هم وسط این ماجراست. ستاره‌های لوکس با کابوس‌های لوکس را کسی باور نمی‌کند. در حقیقت زیبایی این فینال در این است: همه بازیکنان و مربیان یووه نشان دادند که راه بردن را بلد هستند. ایتالیا یا فرانسه فرقی نمی‌کند. مهم این است که حرف‌های لوچانو موجی اینجا اهمیتی ندارد چون آنها با پاهای خودشان تا فینال آمده‌اند. امروز همه می‌پرسند خب باید چه کار کنیم؟ ویرا این را می‌گوید. مسئله او، مسئله همه بازیکنان است: «خیلی سخت است که به این مسئله فکر نکنیم. اما بهتر است کمی صبر کنیم. نمی‌توانیم آینده را مطالعه کنیم، بدون اینکه چیزی درباره آن بدانیم.» فرانسه- ایتالیا در حقیقت یوونتوس علیه یوونتوس است. تا اینکه بازیکنان از هر اتهامی مبرا شوند و شخصیت شکسته شده‌شان را دوباره به دست بیاورند. اگر فرانسه برنده شود پلاتینی می‌تواند از این پیروزی خوشحال باشد اما نیمی دیگر از قلب او نگران یوونتوسی است که در حال سقوط است. با این حال او هم امیدوار است که زیبایی‌های یووه در این میدان دیده شود، همان‌طور که همیشه وجود داشته است؛ زیدان وارث او شد، دل پیرو پوستر او را در

اتاقش چسبانده بود، کاناوارو با آن لهجه ناپلی‌اش از او حرف می‌زد و مهاجمانی که برای به وجود آوردن شادی جدید می‌توانند کار بزرگی انجام دهند.

امروز شاه فوتبال زیدان است، پلاتینی شاه فوتبال بود. بازیکنان فرانسوی و ایتالیایی که فکر می‌کردند در این رسوایی خیلی چیزها را از دست می‌دهند نشان دادند که بانوی ایتالیا بدون کمک و فریب هم می‌توانست پیروز شود. امروز دیگر برای کسی مهم نیست که چه تیمی قهرمان می‌شود، همه آنها به این فکر می‌کنند که توانایی خود را نشان دهند و گذشته تاریک را فراموش کنند. اینتزاگی بازیکن بزرگی بود و همین بزرگی را در میلان هم به نمایش گذاشت او همیشه سعی می‌کرد از محافظت کمک داوران فرار کند، بدون اینکه به دنبال لطف آنها باشد. لیپی هم کمی اعتماد از دست رفته را دوباره پیدا کرده است. روح افسانه فوتبال، امروز در برلین این را می‌گوید و یادآوری می‌کند: «یوونتوس پیروز شد». باید ببینیم که در فینال جام جهانی چه تیمی برنده می‌شود. پلاتینی موبایلش را خاموش کرده است چون نمی‌خواهد چیزی درباره پرونده یوونتوس بشنود. تیم اصلی یووه در برلین است.

خبر

خدمت یووه به جام جهانی

یک وکیل مدافع باشگاه یوونتوس روز جمعه اظهار داشت: مدیران اجرایی ارشد سابق این باشگاه که قهرمان ایتالیا است باید به پاس کمک به تیم ملی ایتالیا در صعود به فینال جام جهانی آلمان مورد ستایش قرار گیرند نه اینکه به اتهام تبانی در فوتبال محاکمه شوند. در پایان جلسات دادرسی دادگاه که موفقیت تیم ملی ایتالیا را زیر سایه خود قرار داد، «پائولو تورفینو» گفت: این پرونده باید به حال تعلیق درآید. وی چنین استدلال کرد که تماس‌های تلفنی شنود شده تنها بخشی از تماس‌های «لوچانو موجی» مدیرکل اخیراً استعفا کرده یوونتوس است. تورفینو گفت: «این تماس‌ها که مبنای تحقیقات قرار گرفته تقریباً ۴۰ مورد است. . . ما نمی‌دانیم که در بقیه مکالمات چه چیزهایی گفته شده است. من از شما می‌خواهم جریان قضایی را به حال تعلیق درآورید تا مطلع شویم که در ۹۹ هزار و ۹۶۰ مورد دیگر چه چیزهایی مطرح شده است.» وی بر نقش موجی و «آنتونیو جیرائودو» مدیر اجرایی سابق باشگاه در تبدیل این باشگاه تورین به پشتوانه اصلی تیم ملی ایتالیا تاکید کرد. این وکیل مدافع گفت: «یکشنبه شب، وقتی ایتالیا با فرانسه در فینال جام جهانی بازی می‌کند شما در صفحه تلویزیون خواهید دید که یک سوم بازیکنانی که در میدان هستند توسط موجی و جیرائودو به خدمت گرفته شده‌اند.»